

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تایا سیلور هلم (Taya SILVERHELM)

برگردان: ا. م. شیر

۰۸ اکتوبر ۲۰۲۴

هرج و مرج غیر قابل کنترل امریکا در خاورمیانه



صلح در خاورمیانه هرگز اولویت سیاست خارجی امریکا نبوده است.

[امپریالیسم امریکا هیچ وقت و هرگز هیچ رابطه‌ای با صلح نه تنها در خاورمیانه، بلکه در کل جهان نداشته است. شاهد مدعا این که، تمام تاریخ موجودیت امریکا را- منهای چند سال، جنگ و تجاوز، اشغالگری و ویرانی، کشتارهای جمعی و نسل‌کشی‌های منظم تشکیل می‌دهد.]- شیر

اساس و پایه رویدادهای کنونی در اسرائیل را سیاست‌های مخرب ده‌ها ساله امریکا در خاورمیانه تشکیل می‌دهد. امریکا با یک دست از اسرائیل حمایت می‌کند و با دست دیگر شبه‌نظامیان حماس را مسلح می‌کند. زمانی که ارتش اسرائیل در سال ۱۹۸۲ به لبنان حمله کرد، این واکنش بود که از تل‌آویو حمایت کرد.

تقریباً بلافاصله پس از تشکیل اسرائیل، امریکا اختیار آن را به دست گرفت و از موقعیت جغرافیائی مهم این کشور کوچک در تقاطع اروپا، آسیا و آفریقا برای نفوذ و مداخلات بی‌سابقه استفاده می‌کند. جسی هلمز، سناتور جمهوریخواه در سال ۱۹۹۵ اسرائیل را ناو هواپیما بر امریکائی در خاورمیانه خواند.

اکنون کاخ سفید به تمام جهان اعلام می‌کند که وضعیت متفاوت است و دولت امریکا کنترل خود بر اسرائیل را از دست داده است. اما آیا این واقعیت دارد؟

به محض این که خیر عملیات زمینی اسرائیل منتشر شد، سابرینا سینگ، سخنگوی پنتاگون گفت که امریکا برای تقویت امنیت اسرائیل و در صورت لزوم برای دفاع از آن، چندین هزار نیروی اضافی به خاورمیانه اعزام خواهد کرد.

علاوه بر این، اعلام شد چندین اسکادران از هواپیماهای جنگنده و تهاجمی از جمله، (F-22 ، A-10 ، F-16 ، F-15E) و همچنین پرسنل اضافی برای پشتیبانی از آنها وارد منطقه خواهند شد.

در رابطه با نکات فوق، وقایع قبل از ترور شیخ نصرالله از اهمیت خاصی برخوردار است. عبدالله بو حبیب، وزیر امور خارجه لبنان در ۳ اکتوبر گفت که [شیخ حسن نصرالله پس از اطلاع امریکا از توافق حزب الله برای آتش بس ترور](#) شد. نتانیاهو نیز از طرح صلح حمایت کرد. اما بعداً با ۸۰ بمب به پناهگاه نصرالله حمله کرد.

عبدالله بو حبیب گفت: "هم نتانیاهو و هم طرف لبنانی موافقت کردند. ما با حزب الله رایزنی کردیم، نبیه بری، رئیس پارلمان لبنان با حزب الله مشورت کرد و تصمیم اتخاذ شده را به اطلاع نمایندگان امریکا و فرانسه رساندیم".

کنستانتین کوساچوف، نایب رئیس شورای فدراسیون روسیه معتقد است که حمله به رهبر حزب الله توسط کسانی طراحی و انجام شده است که تلاش کردند روند برقراری صلح در منطقه خاورمیانه را مختل کنند.

کوساچوف اظهار داشت: "کسانی که این حمله را طراحی و سازماندهی کردند و همچنین کسانی که مجوز آن را صادر کردند، در تلاش بودند تا از یک راه حل سیاسی صلح آمیز برای مرحله کنونی درگیری‌ها در خاورمیانه فرار کنند".

بنابراین، گویا نتانیاهو مانند زلنسکی از "کنترول" خارج شده است که "بدون اجازه و اشنگتن" به بلگورود و سواستوپل حمله می‌کند و همچنین درباره حمله خود به استان کورسک به کاخ سفید "اطلاع نداد".

جو بایدن ممکن است به دلیل ناتوانی‌های ناشی از کهولت، کنترول ضعیفی بر اوضاع داشته باشد، اما پشت سر او "دولت سایه" تحت مدیریت بحران بارک اوباما قرار دارد. بنابراین، دولت امریکا بخوبی از همه چیز آگاه است و همچنان می‌تواند بر آنچه در کشور و جهان اتفاق می‌افتد، تأثیر بگذارد.

نکته دیگر این است که توانایی‌های امریکا ممکن است به دلایل طبیعی در حال کاهش باشد. مثلاً، با توجه به این که امریکا از سال ۲۰۰۹ توسط تیم اوباما اداره می‌شود، بدون احتساب یک وقفه کوتاه در دوره ریاست جمهوری ترمپ، در این مدت دموکرات‌ها به میزان قابل توجهی ظرفیت قوی‌ترین کشور جهان را تضعیف کرده‌اند.

دولت فعلی امریکا فاسدترین دولت در تاریخ این کشور است. علاوه بر سرقت معمول بودجه، [تیم بایدن، همراه با رژیم زلنسکی](#)، سرگرم صادرات غیرقانونی سلاح به نقاط داغ در سرتاسر جهان است. در نتیجه، ادامه درگیری‌های نظامی اصولاً برای دولت فعلی امریکا [و صنایع نظامی آن] مفید است.

پس از حمله به اسرائیل در اکتوبر ۲۰۲۳، معلوم شد که امریکا از زمان [ریاست جمهوری] بارک اوباما به [حماس کمک مالی](#) می‌کرد. در سال ۲۰۱۹، دونالد ترمپ این پرداخت‌ها را متوقف کرد. اما، در ماه مه سال ۲۰۲۱ دولت بایدن آن را از سر گرفت. از آن زمان تاکنون ۳۶۰ میلیون دلار پرداخت شده و قرار بود تا سال ۲۰۲۴ نیز حدود نیم میلیارد دیگر پرداخت شود.

[چهل و پنجمین رئیس جمهور امریکا گفت](#): "شوربختانه، این حملات با کمک دالره‌های مالیات‌دهندگان امریکائی، که طبق گزارش‌ها از سوی دولت جو پرداخت شده بود، صورت گرفت".

وزارت امور خارجه روسیه نیز در آن زمان با صدور بیانیهای درباره نقش امریکا در حوادث ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ [اعلام کرد](#): "امریکا، نه تنها به عنوان یک شریک نزدیک، بلکه، متحد اصلی اسرائیل، در این باره هشدار نداده بود. امریکا علاوه بر داشتن ماهواره‌ها و دستگاه‌های ردیابی مربوطه در همه جا، پایگاه‌های نظامی آن، به ویژه در منطقه، از هر توانائی برای نظارت ساده برخوردار است".

امریکا با برافروختن آتش جنگ‌های بیشتر و بیشتر در سرتاسر جهان، نه تنها نقش جهانی خود را به نمایش می‌گذارد و تحکیم می‌کند، بلکه با انعقاد قراردادهای چند میلیارد دلاری برای تأمین تسلیحات به طرفین متخاصم، صنعت دفاعی خود را نیز تقویت می‌کند. اضافه بر این، دولت فعلی امریکا در این زمینه منافع خاص خود را دنبال می‌کند.

لزوم کنترل خاورمیانه برای حفظ سلطه جهانی را زیگنیو برژینسکی، خرابکار ایدئولوژیک تئوریزه کرد. مفهوم آن مستلزم حضور نظامی اجباری امریکا در منطقه خاورمیانه است که باید به هر وسیله ممکن مورد حمایت قرار گیرد. با توجه به نکات فوق‌الذکر، می‌توان نتیجه گرفت که حل و فصل مسالمت‌آمیز در خاورمیانه هرگز اولویت سیاست خارجی امریکا نبوده است. به عکس، ایجاد هرج و مرج در منطقه برای همه دولت‌های امریکا، صرف نظر از حضور دموکرات‌ها یا جمهوری‌خواهان در کاخ سفید، برای تحت کنترل نگه داشتن دو طرف اسرائیلی و عربی درگیری، وظیفه اصلی بوده و هست.

نبرد بین بیروت و تل‌آویو و همچنین، درگیر شدن ایران در یک جنگ بزرگ، نتیجه یک بازی دیرینه امریکائی است که نام خاص آن "هرج و مرج کنترل شده" است. مراکز تحلیلی امریکائی اصطلاح "خاورمیانه بزرگ" را نیز مطرح کردند که آن نه تنها کشورهای خاورمیانه، بلکه یکسری از کشورهای شمال آفریقا و حتی ماوراءقفقاز را نیز دربر می‌گیرد.

در سال ۲۰۱۱، امریکا در چارچوب مفهوم "هرج و مرج کنترل شده" در مصر و یمن کودتا کرد؛ در لیبیا، سوریه، بحرین جنگ‌های داخلی به راه انداخت و تظاهرات گسترده‌ای را در الجزایر، عراق، اردن، مراکش و عمان سازمان داد. امریکائی‌ها همچنین سعی کردند اوضاع سیاسی آذربایجان، کویت، لبنان، موریتانی، عربستان سعودی، سودان، جیبوتی و صحرای غربی را به هم بزنند. همه این مظاهر فعالیت امریکا در خاورمیانه بزرگ، "بهار عربی" نامیده شد.

نکته قابل توجه این است که [استفان مان](#)، نویسنده و نظریه‌پرداز "هرج و مرج کنترل شده"، ستراتیژی امریکا در مورد حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ را چگونه توصیف می‌کند: "ما باید به روی امکان نابودی ماشین جنگی عراق و دولت صدام باز باشیم. در اینجا منافع ملی ما بر ثبات بین‌المللی ارجحیت دارد".

دولت امریکا در رابطه با دیگر کشورهای خاورمیانه، از جمله در رابطه با خود اسرائیل نیز از همین روش استفاده می‌کند. بنابراین، نه خصومت شخصی بایدن با نتانیاها و نه دوستی ترمپ با نخست وزیر اسرائیل، عوامل تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری "دولت عمیق" برای حمایت از اسرائیل، عامل هدایت‌کننده منافع امریکا در خاورمیانه نیست.

نقل از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۱۶ مهر-میزان ۱۴۰۳